

The Economic Dimensions of Security-Oriented Criminal Policy from the Point of View of Jurisprudence and Criminal law

Kamal Aghapour¹, Alireza Azarbaiejany^{2*}

1 .Ph.D. student of private law, Department of Humanities, Ares International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 .Visiting Faculty Member, Department of Human Sciences, Ares International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran: (corresponding author).

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 583-602

Article history:

Received: 28 May 2022

Edition: 4 Jul 2022

Accepted: 1 Dec 2022

Published online: 18 Mar 2023

Keywords:

commercial arbitration, arbitrator's decision, recognition, enforcement, New York Arbitration Convention.

corresponding author:

Alireza Azarbaiejany

Address:

Iran, Tehran, University of Tehran,
Ares International Campus,
Department of Humanities.

Orchid Code:

0009-0003-0778-1081

Tel:

09121138323

Email:

azarbaiejany@ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The purpose of this article is to examine the identification of international commercial arbitration awards in Iranian law and the New York Convention.

Materials and methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical considerations: In the present paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness are respected.

Results: The findings showed that in Iranian arbitration law, the conditions of recognition of arbitration opinions have not been addressed and the legislator has remained silent in this regard. In the New York Arbitration Convention, the conditions for recognition of the arbitration award have been specified, according to which there is no need to go to the court of the country where the arbitration is performed. In Iran's arbitration law, there are obstacles to recognition and implementation of arbitration, which are similar to the terms of the New York Arbitration Convention in cases such as public order, existence of arbitration agreement, fair trial, performance of arbitration formalities, and non-derogation of arbitrator's powers of arbitration. However, some of these mentioned obstacles, such as public order in Iran's laws, have been faced with problems and are different from what is mentioned under the title of public order in the New York Convention.

Conclusion: The result is that it is necessary to facilitate the recognition and enforcement of arbitration awards in Iranian law.

Cite this article as:

Aghapour K, Azarbaiejany A. *The Economic Dimensions of Security-Oriented Criminal Policy from the Point of View of Jurisprudence and Criminal law. Economic Jurisprudence Studies. 2022.*



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

شناسایی آراء داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک

کمال آقاپور^۱، علیرضا آذربایجانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه آموزشی علوم انسانی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی مدعو گروه آموزشی علوم انسانی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

زمینه و هدف: داوری دارای مزیت‌های متعددی است؛ اما شناسایی و اجرای آرای خارجی در دعاوی تجاری بین‌المللی از مسائل و چالش‌های آن است. هدف مقاله حاضر بررسی شناسایی آرای داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مواد و داده‌ها کیفی است. از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. **ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد در حقوق داوری ایران، شرایط شناسایی آرای داوری بررسی نشده است و قانون‌گذار در این خصوص سکوت کرده است. در کنوانسیون داوری نیویورک شرایط شناسایی رأی داوری مشخص شده است که مطابق آن نیازی به مراجعه به دادگاه کشور محل اجرای داوری نیست. در حقوق داوری ایران موانع شناسایی و اجرای داوری مطرح شده است که در مواردی چون نظم عمومی، وجود موافقت‌نامه داوری، دادرسی منصفانه، انجام تشریفات داوری و عدم عدول داور از اختیارات داوری با شرایط کنوانسیون داوری نیویورک مشابهت دارد. با وجود این، برخی از این موانع مورد اشاره مانند نظم عمومی در حقوق ایران با ابهام مواجه است و با آنچه زیر عنوان نظم عمومی در کنوانسیون نیویورک مطرح است متفاوت است. همچنین شرایطی که در ماده ۱۳۹ قانون اساسی ایران مطرح شده است، شناسایی و اجرای رأی داوری تجاری بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌کند. **نتیجه‌گیری:** نتیجه اینکه لازم است شرایط شناسایی و اجرای رأی داوری در حقوق ایران تسهیل شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۸۳-۶۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی:

داوری تجاری، رأی داور، شناسایی، اجرا، کنوانسیون داوری نیویورک.

نویسنده مسئول:

علیرضا آذربایجانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی ارس، گروه آموزشی علوم انسانی.

کد ارکید:

0009-0003-0778-1081

تلفن:

۰۹۱۲۱۱۳۸۳۲۳

پست الکترونیک:

azarbaiejany@ut.ac.ir

۱. مقدمه

شناخت و اجرای آرای داوری خارجی در یک کشور که موجب اعتماد تجار و بازرگانان کشورها برای انجام مبادلات بازرگانی، تجاری می‌شود، بحث شناسایی و اجرای آرای داوری از اهمیت بالایی برخوردار است. مبادلات تجاری و حل‌وفصل اختلافات تجاری از طریق داوری ایجاب می‌کند ایران نیز در صحنه بین‌المللی به‌صورت محل مناسبی برای برگزاری داوری‌های بین‌المللی و در زمره کشورهای مورد اطمینان و حامی داوری‌های بین‌المللی قرار گیرد. تبیین و تحلیل قواعد شناسایی و اجرای داوری صادره در خارج از ایران امری ضروری به‌نظر می‌رسد. بر همین اساس، در این مقاله تلاش شده است تا شناسایی آرای داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک بررسی شود. این بررسی به‌صورت تطبیقی از آن جهت اهمیت دارد که کنوانسیون اجرای احکام داوری نیویورک مصوب ۱۹۵۸ مهم‌ترین سند بین‌المللی در داوری تجاری بین‌المللی است که مسئله اجرای احکام داوری را در نظر گرفته است. این کنوانسیون در مقایسه با کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو در زمینه اجرای احکام، بسیار پیشرفته‌تر، کامل‌تر، وسیع‌تر و بالاخره از حیث جلب قبول کشورها حاوی امتیازات بیشتری است.

درباره شناسایی و اجرای آرای داوری، پژوهش‌های زیادی انجام شده است. دانای علمی و پویان (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای، محدوده کنترل قاضی در شناسایی و اجرای آرای داوری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نیکبخت و پیری (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای، امتناع از شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی باطل شده را بررسی کرده‌اند. همچنین معین و حسینی (۱۴۰۰)،

داوری دارای امتیازات زیادی است. با توجه به اینکه داوری خارج از نظام قضایی انجام می‌شود تصمیمات و آرای داوری از استحکام رأی دادگاه برخوردار نیست و اجرای آن با دشواری‌هایی روبه‌رو است و به‌آسانی اجرای احکام دادگاه‌ها نیست. شاید یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش از روند داوری، مقوله اجرای رأی داوری است. اگر طرفین اطمینان به این موضوع نداشته باشند که پس از خاتمه رسیدگی و صدور رأی داوری می‌توانند آن را اجرا کنند، رسیدگی داوری صرفاً یک‌روند طاقت‌فرسا و بیهوده خواهد بود. چنانچه طرفین قبل از روند داوری یا در حین آن از اجرای رأی داوری حتی در صورت عدم اجرای اختیاری توسط محکوم‌علیه پرونده اطمینان نداشته باشند، هرگز به روند این رسیدگی تمایل نخواهند داشت. وجود رأیی بدون توانایی اجرای اجباری صرفاً یک برگه ظاهری است و اگرچه برای به‌دست آوردن آن زحماتی هم کشیده شده باشد، امکان بالفعل درآمدن آن نیست. اجرای رأی در کشوری که مقر داوری در آن است و تحت قوانین آن صورت گرفته است پیچیدگی خاصی ندارد. اگر دولتی اجازه رسیدگی و روند داوری را در کشور خود بدهد طبیعی است که اجازه شناسایی و اجرای آن را هم می‌دهد. چون دولت‌ها معمولاً علاقه‌ای به اجرای تصمیمات غیر داخلی یا تصمیمات حاکمیت‌های دیگر ندارند، اجرای یک رأی داوری خارجی اگر از پشتیبانی قانونی قوی‌ای بهره‌مند نباشد خیلی سخت و در مواردی غیر ممکن خواهد بود.

با توجه به نقش تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی در حیات اقتصادی و بازرگانی کشورها و نقش حیاتی

در مقاله‌ای، مطالعه‌ای تطبیقی در سیستم‌های حقوقی برای شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی داشته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش شده است پاسخ به این سوال بررسی شود که شرایط و موانع شناسایی آرای داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون داوری نیویورک چگونه است؟ نوآوری مقاله حاضر در همین نکته نهفته است. به‌منظور بررسی پرسش مورد اشاره ابتدا مفهوم داوری تجاری بررسی شده است و سپس شرایط شناسایی و اجرا و در ادامه موانع شناسایی و اجرای رأی داوری تبیین و تحلیل شده است.

۲. مفهوم داوری و داوری تجاری

داوری در لغت به معنای «قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است. گفته شده که داور در اصل دادور بوده، به معنای صاحب داد که برای آسانی تکلم دال دوم آن حذف شده است. داور کسی است که درباره موضوعی که به او ارجاع شده قضاوت می‌کند و در مورد اینکه حق با چه کسی است، اظهار نظر می‌نماید» (دهخدا، ۱۳۹۲، ج ۲، ۳۵۹). یکی از صفات خداوند **داور بودن** است؛ زیرا خداوند در روز جزا در خصوص اعمال بندگان قضاوت و حکم می‌کند. داوری در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است. گفته شده است داور در اصل دادور بوده است، به معنای صاحب داد که سپس در طول زمان به دلیل کثرت استعمال و تسهیل در تلفظ و تخفیف در نگارش به مرور دال ثانی حذف شده است و دادور تبدیل به داور شده است (شیروی، ۱۳۹۶، ۸).

داوری قضاوتی قراردادی بر اساس اصول حقوقی است و علی‌القاعده بر اساس آن طرفین اختلاف یا رابطه حقوقی تراضی می‌کنند که قضاوت درباره اختلاف خود را به جای اینکه در دادگاه دولتی مطرح کنند به شخص یا اشخاص غیردولتی که خودشان قبول دارند و یا در نحوه تعیین آن‌ها توافق کرده‌اند محول می‌کنند و داور به جای قاضی درباره اختلاف آنان حکم می‌راند و قانون‌گذار اجرای آن را مانند احکام دادگاه‌ها، تضمین می‌کند. داوری بدر قالب یکی از روش‌های حل و فصل اختلاف به صورت‌های گوناگون تعریف شده است. یکی از فرهنگ‌های حقوقی داوری را این‌گونه تعریف می‌کند: «ارجاع اختلاف به شخص بی‌طرفی (ثالث) که توسط اصحاب دعوی برگزیده می‌شود و طرفین پیشاپیش توافق می‌کنند که از رأی که داور پس از تشکیل جلسه و استماع اظهارات طرفین صادر می‌کند، متابعت نمایند» (مصلحی، ۱۳۸۸، ۹۶). فرهنگ دیگری، داوری را «ارجاع و تسلیم اختلاف به تصمیم و نظر شخص و نه دادگاه‌های صالحه می‌داند» (هاشم‌بیگی، ۱۳۹۸، ۷۳).

با توجه به تمامی تعاریف فوق می‌توان گفت، داوری علم یا فنی است که بر اساس آن طرفین اختلاف، دعوی خود را به یک یا چند داور مرضی‌الطرفین می‌دهند تا طبق مقررات ماهوی، شکلی، ادله اثبات و سایر موارد توافق شده بین آن‌ها، به اختلافشان رسیدگی و رأی قطعی لازم‌الاجرا صادر کند.

منظور از داوری تجاری، داوری در زمینه اختلافات مربوط به امور تجاری و بازرگانی است. در قانون نمونه آنسیترال و کشورهای پیرو قانون نمونه، اصطلاح **تجاری** در پانوشته این‌گونه توصیف شده است:

داشت. حدود یک‌سوم کشورهای متعاهد از این حق شرط تجاری استفاده کرده‌اند. کنوانسیون نیویورک گویای آن است که وصف تجاری باید بر پایهٔ قانون داخلی مشخص شود. در عمل دادگاه‌های داخلی مانند هند و آمریکا به این سمت گرایش دارند که دامنهٔ شمول وصف تجاری را به‌طور موسع تفسیرکنند» (جولیان دی‌ام لئو و دیگران، ۱۳۹۲، ۸۱-۸۲).

برای اجرای هر رأی داوری قبل از هر چیز باید قانون حاکم بر اجرای آن رأی را بیابیم و این امر محقق نمی‌شود مگر با در نظر گرفتن ملاک‌های خارجی یا داخلی بودن یک‌رأی. قانون داوری هر کشوری ملاک تمیز رأی داخلی از خارجی است. در فرضی که همهٔ عناصر یک رأی داوری تحت حاکمیت سیاسی یک کشور باشد، تشخیص داخلی بودن آن بسیار ساده است. اما در فرضی که همهٔ عوامل یک رأی مربوط به یک حاکمیت سیاسی و صلاحیت قضایی نیست تعیین تابعیت رأی کار آسانی نخواهد بود. عواملی از قبیل: محل برگزاری داوری، تابعیت طرفین دعوا و در نهایت تعیین قانون حاکم. دادگاه محل درخواست اجرای رأی در هر کشوری که باشد، در اولین اقدام به قانون مقرر خود مراجعه می‌کند. در این شرایط برای اجرای آرای داوری در هر کشور و مواجهه با قوانین آن‌ها با شکل‌های متعددی از قوانین و معیارها روبه‌رو خواهیم بود و شاید همین گونه‌گونی در راه‌حل‌ها موجب شده است تا کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی برای یک‌نواخت سازی قوانین همهٔ کشورها ارائه شود.

«اصطلاح تجاری بایستی در مفهوم وسیع آن تفسیر شود، به‌نحوی که موضوعات ناشی از هر گونه رابطه را که دارای ماهیت تجاری است، اعم از قراردادی یا غیر قراردادی شامل شود. منظور از روابط دارای ماهیت تجاری، بدون قید انحصار، عبارت است از: تهیه یا مبادلهٔ کالا یا خدمات، قرارداد توزیع، نمایندگی یا کارگزاری تجاری، حق‌العمل‌کاری، اجاره به‌شرط تملیک، ساختمان پروژه‌ها، مشاوره، مهندسی، پروانهٔ امتیاز، سرمایه‌گذاری، تأمین‌اعتبار، بانک‌داری، بیمه، قرارداد بهره‌برداری یا امتیاز انحصاری، مشارکت مدنی و انواع دیگر همکاری صنعتی یا تجاری، حمل‌ونقل کالا یا مسافر از طریق هوا، دریا، راه‌آهن یا جاده. با اینکه این تعریف در یک پانویشت آمده است، ولی جزئی جدانشدنی از قانون نمونه است. تدوین‌کنندگان قانون نمونه می‌خواستند توصیفی جامع و انتهاباز از اصطلاح تجاری ارائه دهند» (جولیان دی‌ام لئو و دیگران، ۱۳۹۲، ۷۸).

کنوانسیون‌های داوری بین‌المللی به ماهیت تجاری معاملات اشاره دارند. این کنوانسیون‌ها لزوماً قلمرو خود را به اختلافات تجاری محدود نمی‌کنند. البته اکثر آن‌ها فقط دربارهٔ معاملات تجاری کاربرد دارند. کنوانسیون نیویورک اجازه می‌دهد میان داوری تجاری و غیر تجاری تفکیک به‌عمل آید. این مطلب در بند ۳ مادهٔ ۱ منعکس است که حاوی مقررۀ معروف به حق شرط تجاری است. «حق شرط تجاری به این دلیل در کنوانسیون وارد گردید که در کنفرانس ۱۹۵۸ نیویورک عقیده بر این بود که بدون این شرط، برخی کشورهای دارای نظام حقوق نوشته که میان معاملات تجاری و غیر تجاری تفکیک قائل می‌شوند، امکان الحاق به کنوانسیون را نخواهند

۳. شرایط شناسایی و اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک

ماده ۴ کنوانسیون نیویورک شرایط شناسایی و اجرا توسط متقاضی را به شرح زیر مقرر کرده است: «۱. برای تحقق شناسایی و اجرای موارد مندرج در ماده پیشین، طرف متقاضی شناسایی در هنگام تقاضا مدارک زیر را تهیه خواهد کرد: الف) نسخه اصلی یا رونوشت مصدق حکم. ب) موافقت‌نامه اصلی موضوع ماده ۲ یا رونوشت مصدق آن. ۲. اگر حکم یا موافقت‌نامه یادشده به زبان رسمی کشوری که حکم به آن مستند است، تنظیم نشده باشد، طرف متقاضی شناسایی و اجرای حکم باید ترجمه این اسناد را به آن زبان تهیه کند. ترجمه بایستی توسط مترجم رسمی یا قسم‌خورده یا نماینده سیاسی یا کنسولی تأیید شود. ماده فوق‌الذکر با تحدید شرایط لازم، شناسایی و اجرای رأی را به گونه‌ای چشم‌گیر تسهیل نموده و در مقام مقایسه با کنوانسیون ژنو، اصلاحات اساسی ایجاد نموده است. زیرا متقاضی شناسایی و اجرا، برابر مقررات کنوانسیون ژنو علاوه بر تحصیل شرایط مندرج در بالا مکلف بود که جهت اثبات موارد ذیل برای دادگاه متقاضی‌عنه تحصیل دلیل نماید: الف) رأی داوری در کشور محل صدور، رأی نهایی محسوب شود، این شرط عملاً منجر به لزوم صدور دستور اجرا در کشور محل صدور می‌گردد. ب) رأی داوری مشمول مقررات کنوانسیون ژنو است. ج) رأی داوری متعاقب قرارداد داوری که بر طبق قانون قابل اعمال بر آن صحیح می‌باشد، صادر گردیده است. د) رأی داوری بر اساس توافق طرفین و قانون حاکم بر داوری صادر شده است» (شیروی، ۱۳۹۶، ۷۸).

مقررات بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون ژنو در طرح شورا در سال ۱۹۵۵ و در بند ۱ ماده ۵ نیز آمده بود، منتها وظایف خواهان اجرا سبک‌تر بود و با پیشنهاد نماینده دولت هلند بود که در این خصوص تحولات گسترده‌ای در کنوانسیون انجام شد. به این ترتیب که موارد با عنوان شناسایی و اجرا، در طرح شورا به بخش موانع شناسایی و اجرا منتقل شد. در نتیجه خواهان برخلاف مقررات قبلی دیگر الزامی به اثبات موارد خاص ندارد، بلکه کافی است که اصل موافقت‌نامه داوری و یا رونوشت مصدق آن و نیز اصل رأی داوری گواهی‌شده و یا رونوشت مصدق آن را و نیز ترجمه آن‌ها را در صورتی که موافقت‌نامه یا رأی داوری به غیر زبان رسمی کشور محل اجرا باشد، ارائه کند.

نتیجه اینکه با استناد به کنوانسیون نیویورک به محض آنکه متقاضی شناسایی و اجرا، مدارک مربوط را ارائه کند، مستحق تحصیل شناسایی و اجرای رأی است و طرف مقابل است که باید تحقق یکی از موانع شناسایی و اجرای رأی موضوع ماده ۵ کنوانسیون را اثبات کند تا متعاقب آن دادگاه از شناسایی و اجرای رأی خودداری کند. برخی از این شرایط که تبدیل به موانع شده است، مبین آن است که سمت‌وسوی نظر تهیه‌کنندگان کنوانسیون به حداقل رسانیدن تشریفات و شرایط بوده است. این همان نکته‌ای است که در مقام تفسیر مفاد کل کنوانسیون از جمله ماده ۴ آن باید لحاظ شود. بنابراین تنها شروط مذکور در ماده ۴ بر عهده متقاضی اجرا قرار گرفته است و استنباط شروط اضافی برخلاف مفاد و روح کنوانسیون است (نیکبخت، ۱۳۹۳، ۸۴).

«ماده ۴ عهدنامه نیویورک بنا دارد شناسایی و اجرای رأی را حتی‌الامکان آسان نماید؛ لذا حداقل لوازم شکلی را برای شناسایی و اجرای رأی مقرر می‌نماید. بر اساس ماده ۷ چنانچه قانون ملی در این خصوص شرایط یا لوازم سهل‌تری در مقایسه با عهدنامه مقرر کند، بر قواعد عهدنامه غالب خواهد بود. اما اگر شرایط قانون داخلی برای طرف متقاضی اجرای رأی، سخت‌تر از شرایط ماده ۴ باشد، شرایط ماده ۴ غالب خواهد بود. به عبارت دیگر طرف متقاضی اجرای رأی، حداکثر لوازمی که برای اجرای رأی لازم است رعایت کند، همان است که در ماده ۴ ذکر شده است» (شیروی، ۱۳۹۶، ۸۱).

وجود اموال محکوم‌علیه در یک کشور کافی است برای اینکه دادگاه‌های آن کشور صلاحیت اجرای رأی را به موجب عهدنامه نیویورک داشته باشند. بنابراین برخلاف اینکه محکوم‌علیه فقط می‌تواند در دادگاه یک کشور و آن هم کشوری که رأی در آنجا صادر شده است (محل داوری) آن را مورد اعتراض قرار دهد، محکوم‌له می‌تواند در کشورهای مختلف درخواست اجرای رأی را داشته باشد. بنابراین باید تحقیق کند که اموال محکوم‌علیه در چه کشوری وجود دارد و در کجا اقدامات یا تشریفات مربوط به اجرای رأی سهل‌تر است. اعطای چنین اختیاری به محکوم‌له موضوع «جست‌وجوی دادگاه مناسب»^۱ را مطرح می‌کند که این خود از خصوصیات ویژه عهدنامه است و می‌تواند انگیزه‌ای برای طرفین دعوی باشد تا داوری خود را در کشوری قرار دهند که عضو عهدنامه باشد تا پس از صدور رأی، اجرای آن در هر کشوری که مناسب‌تر است تقاضا شود (خزائی، ۱۳۹۲، ۵۶).

برای اجرای رأی نیازی به صدور دستور یا اجازه اجرا (صدور اجراییه) از محلی که رأی در آنجا صادر شده است، نیست. این شرطی بود که به موجب عهدنامه ۱۹۲۷ ژنو که مقرر می‌داشت رأی برای اجرا باید در کشور محل صدور نهایی شده باشد، لازم بود انجام شود. یعنی برای اثبات نهایی بودن یک رأی، معمولاً لازم است که اجازه یا دستور اجرا از دادگاه‌های آن کشور صادر شود. به موجب عهدنامه نیویورک همین قدر کافی است که رأی در کشور اصلی (محل صدور) «الزام‌آور» شده باشد.

«گرچه طبق ماده ۴، اسناد ذکر شده در این ماده در زمان تقاضای اجرا تسلیم خواهد شد، اما این عبارت نباید خیلی محدود و مضیق تفسیر شود؛ چون ممکن است نتیجه آن خلاف هدف عهدنامه در هر چه بیشتر اجرا شدن آرای داوری باشد. بنابراین، ارائه اسناد می‌تواند هم‌زمان هنگام ارائه درخواست اجرا یا در زمان متفاوت باشد. لذا چنانچه ابتدا رأی به دادگاه داده نشود و سپس با تأخیر ارائه شود، این تأخیر باعث رد درخواست اجرا نخواهد شد. حقوق ایران نیز از این تفسیر متناسب با هدف کلی کنوانسیون و روح ماده به دور نیست. بلکه در صورت نقض درخواست از جهت ضمیمه، دادگاه ایرانی برابر ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی به متقاضی مهلت ده‌روزه جهت رفع نقص اعطا می‌کند و در صورت عدم رفع نقص از سوی خواهان اجرا در مهلت قانونی، دادخواست بر اساس قراری که توسط مدیر دفتر و جانشین او صادر می‌گردد، رد می‌شود. متقاضی در صورت رد تقاضا می‌تواند دوباره تقاضای شناسایی و اجرای رأی را از همان دادگاه بنماید» (جنیدی، ۱۳۸۹، ۳۴).

^۱. Forum Shopping.

رعایت کند و اصل رأی و نیز ترجمه آن را به انضمام قرارداد داوری ضمیمه درخواست خود کند.

۴. موانع شناسایی و اجرای کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

موانع شناسایی و اجرای کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران عبارت‌اند از:

۴-۱. فقدان اهلیت

نبود اهلیت در کنوانسیون نیویورک در ماده پنجم بند ۱ الف، در قسمت موانع شناسایی و اجرای رأی داوری مطرح می‌شود. این قسمت از ماده دلیلی را بیان می‌کند که در واقع به خود اعتبار رأی بر می‌گردد. به این صورت که فقدان اهلیت، چه برای توافق بر داوری و چه در صورت نبود توافق بر داوری اختیار رسیدگی به دعوا و صدور رأی را از داور و دیوان داوری سلب می‌کند. «بنابراین موضوع اهلیت، موضوعی علی‌حده در کنوانسیون نیویورک است که می‌تواند رأساً موجب امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی باشد» (ون دن، ۱۹۸۶، ۱۹۹). در ادامه، همین بند از کنوانسیون نیویورک، در خصوص اهلیت مقرر می‌دارد که: «قانون قابل‌اعمال بر هر یک از طرفین» اهلیت آن‌ها را مشخص خواهد کرد. در ضمن اینکه قواعد حل تعارض و اعتبار قرارداد داوری را نیز مشخص می‌کند. با این بیان، کنوانسیون قاعده حل تعارض را آسان کرده است و در پاسخ به اینکه کدام قانون حاکم بر موضوع اهلیت خواهد داشت، مقرر دادگاهی را که از آن درخواست اجرای رأی شده است، تعیین کرده است. پس با این حساب قانون واحد و روش یکسانی را برای تعیین قانون قابل‌اعمال بر اهلیت را ارائه نمی‌دهد و این مطلب را به قانون

اصولاً خواهان اجرا در کشوری تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی را می‌دهد که محکوم‌علیه در آن کشور دارای اموال است و در بیشتر موارد، عمده اموال محکوم‌علیه در کشوری است که در آن دارای اقامتگاه یا تابعیت است. بر این اساس، در صورت تقاضای اجرای رأی در ایران، احتمالاً محکوم‌علیه رأی داوری مشمول کنوانسیون، در ایران دارای اقامتگاه است. مطابق ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی، تقاضای اجرا باید از دادگاهی باشد که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه یا محل سکونت موقت دارد و یا در حوزه قضایی دادگاهی باشد که محکوم‌علیه در این حوزه دارای مال غیر منقول است. با توجه به خارجی بودن رأی داوری ممکن است محکوم‌علیه رأی داوری در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت یا مال غیر منقول نداشته باشد. در این صورت مطابق ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی خواهان اجرا باید تقاضا را به دادگاه محل اقامت خود تسلیم کند. اما در صورتی که خواهان در ایران اقامتگاه نداشته باشد، به نظر می‌رسد با وحدت ملاک از ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی که در آن هیچ کدام از عوامل ارتباط درباره تعیین صلاحیت دادگاه در ایران وجود ندارند و مطابق این ماده در این صورت دادگاه عمومی تهران صالح به رسیدگی است، در این باره نیز باید قائل به صلاحیت دادگاه عمومی تهران بود.

تقاضای اجرای رأی داوری نیز بدون تشریفات مربوط به رسیدگی اعم از تقدیم دادخواست یا پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد و خواهان اجرا کافی است در یک برگ عادی ابلاغ و اجرای رأی داوری را از دادگاه تقاضا کند. بدیهی است خواهان اجرا مکلف است شرایط مقرر در ماده ۴ کنوانسیون نیویورک را

«هرچند خود این معیار یکی از موجبات مستقل اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی به‌شمار می‌رود؛ اما می‌توان گفت اعتبار قراردادی و از جمله آن اهلیت قانونی در تمام نظام‌های حقوقی دنیا یک اصل پذیرفته‌شده است که برای اعتبار قرارداد طرفین آن بایستی واجد اهلیت برای انعقاد آن باشند» (شهیدی، ۱۴۰۱، ۱۲۰). در غیر این صورت قرارداد منعقد بی‌اعتبار تلقی خواهد شد.

«در هر حال، هر شخصی (حقیقی یا حقوقی) که واجد اهلیت باشد، بر طبق قاعده کلی، واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد معتبر است که طبیعتاً واجد اهلیت برای انعقاد قرارداد داوری نیز خواهد بود» (ردفرن و هانتر، ۱۹۹۱، ۱۴۴).

موضوع اهلیت از مواردی است که حتی اگر توافق داوری و روند داوری خالی از اشکال هم باشد و بعد از صدور رأی آگاهی از نبود اهلیت طرفین به‌دست آید، باز هم از موجبات موانع اجرای رأی خواهد بود. در ادامه همین بند از کنوانسیون نیویورک، درباره اهلیت چنین مقرر می‌دارد: «قانون قابل اعمال بر هر یک از طرفین» اهلیت آن‌ها را مشخص خواهد کرد. در ضمن اینکه قواعد حل تعارض و اعتبار قرارداد داوری را نیز مشخص می‌کند. با این بیان، کنوانسیون قاعده حل تعارض را آسان کرده است و در پاسخ به اینکه کدام قانون حاکم بر موضوع اهلیت خواهد بود؟ مقرر دادگاهی را که از آن درخواست اجرای رأی شده است، تعیین کرده است. پس با این حساب قانون واحد و روش یکسانی را برای تعیین قانون قابل اعمال بر اهلیت را ارائه نمی‌دهد و این مطلب را به قانون کشور محل درخواست اجرا حواله می‌کند. در حقیقت تهیه‌کنندگان پیش‌نویس کنوانسیون نیویورک

کشور محل درخواست اجرا حواله می‌کند. در حقیقت تهیه‌کنندگان پیش‌نویس کنوانسیون نیویورک موضوع قانون شخصی یا قانون قابل اعمال در قبال طرفین را آزاد گذاشته‌اند تا با استفاده از قواعد حل تعارض دادگاه محل درخواست اجرای رأی، تعیین تکلیف شود. قانون شخصی یا قابل اعمال یعنی قانونی که خود طرفین، قرارداد را تحت شمول آن قرار داده‌اند. در صورت نبود چنین توافقی کنوانسیون نیویورک قانون کشوری را که رأی در آنجا صادر شده است حاکم بر قرارداد می‌داند و آن قانون مسائل اهلیت را مشخص خواهد کرد.

در حقوق داوری تجاری ایران ماده ۲ بند ب، مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند داوری اختلافات تجاری بین‌المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح هر مرحله که باشد با تراضی طبق مقررات این قانون به داوری ارجاع کنند». بنابراین از مفهوم مخالف این ماده چنین برداشت می‌شود که افراد فاقد اهلیت اقامه دعوا اهلیت انعقاد قرارداد داوری را ندارند و در صورت انعقاد نیز، چنین قراردادی معتبر نخواهد بود.

همچنین در ماده ۳۳ بند ۱ الف همین قانون در یک بند جداگانه موضوع عدم اهلیت را از موجبات موانع اجرای رأی می‌داند. «در صورتی که یکی از طرفین فاقد اهلیت باشد رأی داوری به درخواست یکی از طرفین توسط دادگاه مقرر داوری قابل ابطال خواهد بود» (چنگ، ۱۹۹۰، ۷۴۵). در قانون داوری تجاری ایران فقدان اهلیت کلی و مطلق است و خاص عدم اهلیت در انعقاد موافقت‌نامه داوری نیست.

توافق قبلی طرفین است و هیچ کس را نمی توان بدون رضایت به پذیرش داوری وادار کرد (ادیب، ۱۳۷۹، ۱۱۷). در نتیجه، رسیدگی از طریق داوری دارای بنا و بنیادی قراردادی است و این امر بالطبع با اختلافات و دعاوی محافل بازرگانی بین المللی بیشتر هماهنگ است (حبیبی، ۱۳۷۸، ۳). موافقتنامه داوری باید دارای شرایطی باشد تا دادگاه اقدام به اتخاذ تصمیم ارجاع امر به داوری کند. نیز یکی از مدارک لازم برای اجرای آرای داوری، موافقتنامه است که اگر فاقد شرایط لازم باشد مورد شناسایی قرار نخواهد گرفت. اغلب نظام های حقوقی مهم در جهان و نیز مقررات داوری موردی یا سازمانی شکل خاص و لازم الاجرائی را برای تنظیم موافقتنامه داوری مقرر نکرده اند. تنها موردی که در این زمینه مطرح است، بحث کتبی یا شفاهی بودن موافقتنامه داوری است. به جز مسئله لزوم کتبی بودن موافقتنامه داوری که مورد اتفاق اکثر مقررات مربوط به داوری است، دیگر مواردی که مرتبط با شکل موافقتنامه داوری است، منحصر به شیوه خاصی نیست.

ماهیت موافقتنامه داوری تجاری بین المللی همانند ماهیت قرارداد در حقوق داخلی است و تنها در صورت وجود شرایط صحت قرارداد، موافقتنامه داوری دارای اثر حقوقی خواهد بود. زیرا قرارداد داوری مانند همه قراردادهای تابع شرایط عمومی صحت قراردادهاست. شرایط عمومی انعقاد موافقتنامه داوری به استثنای شرط اهلیت طرفین، طبق یک اصل کلی مورد توافق سیستم های داخلی تعارض قوانین، تابع قانون حاکم بر موافقتنامه داوری است و وجود این شرایط بر اساس قانون مزبور، شرط صحت موافقتنامه است. بنابراین باید شرایط لازم

موضوع قانون شخصی یا قانون قابل اعمال در قبال طرفین را آزاد گذاشته اند تا با استفاده از قواعد حل تعارض دادگاه محل درخواست اجرای رأی، تعیین تکلیف شود. قانون شخصی یا قابل اعمال یعنی قانونی که خود طرفین، قرارداد را تحت شمول آن قرار داده اند. در صورت نبود چنین توافقی، کنوانسیون نیویورک قانون کشوری را که رأی در آنجا صادر شده است حاکم بر قرارداد می داند و آن قانون مسائل اهلیت را مشخص خواهد کرد.

۴-۲. فقدان یک موافقتنامه داوری معتبر

دومین مورد مشترک از موانع اجرای آرای داوری در کنوانسیون نیویورک و قانون داوری تجاری ایران، فقدان یک موافقتنامه داوری معتبر است. «منظور از عدم اعتبار یک قرارداد داوری در این بحث، فقدان شرایط شکلی و ظاهری یک قرارداد داوری است که موجب بی اعتباری آن می گردد. آمار و رویه قضایی کشورها نشان می دهد که بیشترین ادعا در خصوص استناد به بی اعتباری قراردادهای داوری مربوط به شرایط شکلی قرارداد داوری است» (ون دن و آلبرت، ۱۹۸۱، ۲۸۲).

ابتدایی ترین شرط برای حل اختلاف از طریق داوری، توافق قبلی طرفین مبنی بر این امر است. اگر موافقتنامه داوری که در حکم «قانون خصوصی» (اسکینی، ۱۳۶۸، ۱۹۷) است موجود نباشد و یا باطل یا فسخ شود، داوری وجود نخواهد داشت. بنابراین برخلاف شیوه رسیدگی قضایی که احتیاجی به تراضی قبلی طرفین مبنی بر ارجاع اختلاف به دادگاه ندارد و هر یک از طرفین می تواند با مراجعه به دادگاه رسیدگی به اختلاف را خواستار شود، برای حل و فصل اختلاف از طریق داوری نیاز به

شفاهی از قبیل توافق از طریق تلفن، معتبر نیست. بند ب ماده ۴ قانون مزبور، شرط داوری و یا موافقت‌نامه داوری را از محتویات ضروری درخواست داوری می‌داند.

استثنایی که به موجب قانون داوری ایران بر اصل لزوم کتبی بودن موافقت‌نامه داوری وارد شده است، این است که مقررات مزبور قبول فعلی یا عدم انکار ادعای وجود موافقت‌نامه داوری از جانب طرف دیگر را برای رسیدگی از طریق داوری کافی می‌داند؛ هرچند آن موافقت‌نامه ادعایی به‌طور شفاهی منعقد شده باشد. لازم به توضیح است هرچند قانون داوری ایران درباره لزوم کتبی بودن موافقت‌نامه داوری تصریح ندارد؛ اما از برخی از مقررات این قانون که راجع به شکل توافق بر داوری است، برمی‌آید که توافق بر داوری به‌نحو شفاهی از قبیل توافق از طریق تلفن، معتبر نیست. بند ب ماده ۴ قانون مزبور، شرط داوری و یا موافقت‌نامه داوری را از محتویات ضروری درخواست داوری می‌داند.

استثنایی که به موجب قانون نمونه و قانون داوری ایران بر اصل لزوم کتبی بودن موافقت‌نامه داوری وارد شده است، این است که مقررات مزبور قبول فعلی یا عدم انکار ادعای وجود موافقت‌نامه داوری از جانب طرف دیگر را برای رسیدگی از طریق داوری کافی می‌داند؛ هرچند آن موافقت‌نامه ادعایی به‌طور شفاهی منعقد شده باشد. به نظر می‌رسد که قانون داوری تجاری ایران باید امکان شروع داوری بدون ابراز موافقت‌نامه داوری را نیز فراهم می‌کرد.

۴-۳. عدم رعایت دادرسی منصفانه

برای صحت قرارداد از قبیل قصد و رضای طرفین، اهلیت و نیز معلوم و معین بودن موضوع را دارا باشد تا قراردادی معتبر محسوب شود. علاوه بر این، چون قرارداد مورد بحث، قراردادی درباره ارجاع اختلاف به داوری است، واجد خصیصه‌هایی نیز است که رعایت نکاتی را از جانب طرفین آن ایجاب می‌کند. عدم توجه به این نکات می‌تواند موجب بطلان قرارداد داوری و یا انجام داوری برخلاف خواست طرفین شود.

«اکثر مقررات داوری، کتبی بودن قرارداد داوری را جهت معتبر دانستن آن ضروری می‌دانند. در زمینه قراردادهای به‌طور عام، هرچند با توجه به اولویتی که عموماً برای نظریه اصالت قصد و رضا شناخته شده است، طبق یک تحلیل حقوقی موجب گردید دامنه محدودی برای تشریفات در نظر گرفته شود. لیکن در قرن بیستم، شاهد گرایش بودیم که غالباً نوعی تجدید حیات اصل اصالت تشریفات، توصیف گردیده است» (برونو، ۱۳۷۱/۲۹۷، ۱۳۷۲).

کتبی بودن قرارداد داوری بنا به نیاز درخصوص کنوانسیون نیویورک در بند ۵ از فصل اول ص ۳۰ تا ۳۲ مطرح شد. به موجب ماده ۷ قانون داوری ایران «موافقت‌نامه داوری باید طی سندی به امضای طرفین رسیده باشد، یا مبادله‌نامه، تلکس، تلگرام یا نظایر آن‌ها بر وجود موافقت‌نامه مزبور دلالت نماید، یا یکی از طرفین طی مبادله درخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر عملاً آن را قبول نماید...».

لازم به توضیح است هرچند قانون داوری ایران درباره لزوم کتبی بودن موافقت‌نامه داوری تصریح ندارد اما از برخی از مقررات این قانون که راجع به شکل توافق بر داوری است، برمی‌آید که توافق بر داوری به‌نحو

۴۹۸). زیرا که علی‌القاعده قاضی رسیدگی‌کننده به قوانین مقرر خود آشنا تر است.

با وجود دو معیار «استفاده از معیارهای بین‌المللی» و «استفاده از قواعد مقرر دادگاه» که هر دو در نهایت مبین صفت عدالت و انصاف هستند، نتیجه هر دو دادرسی یکسان خواهد بود. در قوانین داخلی بیشتر کشورها مسئله منصفانه بودن جریان رسیدگی در پرتو قوانین و معیارهای نظم عمومی مطرح می‌شود و به همین دلیل که عنوان نظم عمومی یک عنوان عام‌تری نسبت به منصفانه بودن جریان رسیدگی است، در روند دادرسی‌های مطرح‌شده معمولاً برای عدم اجرای رأی عنوان کلی نظم عمومی مطرح می‌شود. نظم عمومی در ماده ۵ بند ۲. ب کنوانسیون درج شده است و به نظر می‌رسد که این عنوان آن‌قدر گسترده است که مسائل عدم انصاف را هم در بر می‌گیرد. به‌ویژه آنکه در صورت نبودن محکوم‌علیه در جریان رسیدگی، خود دادگاه می‌تواند رأساً با استناد به بند ب (نظم عمومی) مانع اجرای رأی شود. به‌هرحال نقض جریان رسیدگی اگر خیلی واضح و آشکار باشد، خودش به‌تنهایی موجب امتناع از اجرای رأی می‌شود.

ماده ۱۸ قانون داورى تجارى ايران درباره نحوه رسیدگی داورى مقرر می‌کند: «رفتار با طرفین باید مساوی باشد و به هر کدام از آنان فرصت کافی برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود». همچنین بندهای ج و د ماده ۳۳ قسمت اول آن، ضمانت اجرای نقض عناوین مطرح‌شده در این بندها را که می‌تواند معادل با نقض دادرسی منصفانه نیز باشد، در قالب ابطال رأی داورى پیش‌بینی کرده است. در نظام‌های داورى متعددی چنین تلقی می‌شود که

بیشتر اسناد بین‌المللی معیار منصفانه بودن رأی داورى را در نظر گرفته‌اند. در کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ ماده ۵ بند ۱. ب موضوع نقض آئین و تشریفات رسیدگی منصفانه در داورى را بررسی می‌کند. کنوانسیون استانداردهای قابل قبول و مناسبی را از عدالت و انصاف برای روند دادرسی داورى انتظار دارد. «اما معیار مشخصی را برای دادرسی منصفانه یا عادلانه بودن رسیدگی ارائه نمی‌دهد. و همچنین مشخص نمی‌کند که استانداردهای آئین و تشریفات رسیدگی کدام قانون، معیار دادگاه رسیدگی‌کننده به این دفاع خواهد بود». در این بند تنها به موضوع اخطار مناسب به طرفین اختلاف و قادر بودن هر یک از طرفین به طرح دفاع از خود اشاره می‌شود. شاید به همین دلیل هم هست که در مواردی به این ماده بسیار مضیق نگاه شده و نقض را در موارد بسیار مهم پذیرفته‌اند. در این‌باره که کنوانسیون به موضوع منصفانه بودن جریان رسیدگی توجه نکرده است، چند نظر وجود دارد: اول اینکه به اعتقاد برخی «معیار منصفانه بودن رسیدگی داورى و درج ماده پنج اول ب یک قاعده کاملاً بین‌المللی است و این معیار با توجه به استانداردهای مطرح در سطح بین‌المللی ارزیابی خواهد شد» (گاجا، ۱۹۸۰ / ۱۹۷۸، ۲۶).

در مقابل، برخی اعتقاد دارند: «دادگاه‌های اجراکننده حکم که دفاع نزد آن‌ها مطرح می‌شود رسیدگی منصفانه را در نهایت با توجه به قواعد قانونی خود بررسی خواهند کرد. چرا که موضوع عدم انصاف در یک پرونده مسئله‌ای است که استنادکننده به آن باید آن را ثابت کند و معمولاً برای اثبات از قواعد کشور مقرر دادگاه استفاده خواهد کرد» (می، ۱۹۹۲،

اینکه چه قانونی حاکم بر تفکیک است خودداری می‌کند. در این موارد باید مفاد کنوانسیون را به‌طور مضیق تفسیر کرد. هرچند می‌توان این موضوع را با ملاک مندرج در قسمت الف از بند اول ماده ۵ در نظر گرفت و قانون حاکم بر قابلیت تفکیک را در وهله اول با توجه به قانون منتخب طرفین و در صورت فقدان مطابق قانون کشور محل صدور رأی تعیین کرد. باید توجه داشت که در بحث ابطال رأی و اعتراض به اجرا نشدن رأی دادگاه، کشورها قانون متبوع خود را اعمال می‌کنند. این مورد از موارد امتناع رأی از شناسایی و اجرا خیلی کم مورد استناد قرار گرفته است و در موارد معدودی هم که مطرح شده است اغلب با ناکامی همراه بوده است. در نهایت باید توجه داشت که دادگاه ملی نباید نقض صلاحیت توسط داور و بررسی رأی را به‌طور موسع انجام دهد؛ چنان‌که عملاً به بازنگری ماهوی رأی ختم شود (ون دن و آلبرت، ۱۹۸۱، ۳۱۲-۳۱۳).

معیار صلاحیت در قسمت ه از بند اول ماده ۳۳ داوری تجاری بین‌المللی ایران ۱۳۷۶ بیان شده است. و یکی از موجبات ابطال رأی را وقتی می‌داند که داور خارج از حدود اختیارات خود رأی داده باشد. همچنین مقرر داشته است که ایراد به صلاحیت داور نباید مؤخر از تسلیم دفاعیه باشد و ایراد به خروج داور از صلاحیت خود در جریان رسیدگی داوری باید به‌محض بروز آن عنوان شود. ماده ۳۴ قسمت دوم الف قانون نمونه آنسیترال نیز اشاره می‌کند که اگر رأی مربوط به اختلافی باشد که اساساً به داوری ارجاع نشده است یا در حیطه ارجاع به داوری قرار نمی‌گیرد یا حاوی تصمیمات بیش از خواسته باشد، قابلیت ابطال رأی وجود دارد. در عبارت مربوط به

لزومی ندارد یک دادرسی منصفانه را موجبی جداگانه برای ابطال رأی داوری یا موارد امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری بدانیم (گیلارد و سویچ، ۱۹۹۹، ۹۴۸). اما برای مثال به‌موجب قانون ۱۹۸۱ فرانسه موجبات توسل علیه یک رأی داوری بین‌المللی از جمله عبارت است از وقتی که دادرسی عادلانه و منصفانه مورد احترام واقع نشده باشد (جووانینی، ۲۰۰۰، ۱۲۳). به‌جز در موارد اشاره‌شده به‌دلیل شباهت‌های زیاد، فرقی میان مفاهیم قانون نمونه آنسیترال و قانون داوری تجاری ایران نیست. به‌نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مباحث اخیر، از جهت مفاهیم کلی و طرح موضوع منصفانه بودن رسیدگی در پرتوی موضوع عامی چون نظم عمومی تفاوت‌چندانی بین این دو قانون و کنوانسیون نیویورک وجود ندارد.

۴-۴. عدم صلاحیت داوری

قسمت ج از بند اول ماده ۵ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ مقرر کرده است: «رأی در مورد اختلافاتی است که به‌وسیله ارجاع به داوری پیش‌بینی نشده است، و یا مشمول شرایط ارجاع به داوری قرار نمی‌گیرد، یا حاوی تصمیماتی در خصوص موضوعات بیشتر از قلمرو ارجاع شده به داوری است. به‌شرط آنکه اگر تصمیمات در مورد موضوعات ارجاع‌شده به داوری بتوانند از تصمیمات راجع به موضوعاتی که به داوری ارجاع نگردیده است تفکیک شوند. در این صورت آن قسمت از رأی که حاوی تصمیماتی است که به داوری ارجاع گردیده‌اند می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد.» کنوانسیون در این مورد از تصریح به

رسیدگی طرفین به‌طور ضمنی بر توسعه محدود موافقت‌نامه داوری توافق کرده باشند. مسئله تجاوز از حدود اختیارات زمانی مطرح می‌شود که موضوع در فرایند رسیدگی از سوی یکی از طرفین ابراز شده ولی دیوان داوری به آن توجه نکرده است و یا طرف معترض به موضوع آگاهی نداشته است (گیلارد و سویچ، ۱۹۹۹، ۹۴۸). به‌موجب بند پ ماده ۵-۱ کنوانسیون نیویورک: «هرگاه رأی صادره قابل تفکیک باشد، در این صورت دادگاه باید آن بخش از رأی را که در محدوده اختیارات اعطایی صادر شده، مورد شناسایی و اجرا قرار دهد و از شناسایی و اجرای بخش دیگر خودداری کند». اما اگر تجاوز از اختیارات به‌نحوی است که امکان تفکیک بین بخش‌های رأی وجود نداشته باشد، در این صورت از شناسایی و اجرای کل رأی خودداری خواهد شد.

۴-۶. نظم عمومی

در کنوانسیون نیویورک، ماده ب. ۵.۲ به موضوع نظم عمومی اشاره دارد. مفسران این سند بین‌المللی، معیار نظم عمومی درج‌شده در این سند را بسیار گسترده و وسیع می‌دانند؛ درعین‌حال برخی نیز وجود این معیار را «شرط فرار» یا «سوپاپ اطمینان» کنوانسیون نیویورک می‌دانند (کول، ۱۹۸۵، ۳۷۴). «ماده اخیر کنوانسیون نیویورک به یک کشور اجازه می‌دهد که آرای داوری را که مغایر با نظم عمومی آن کشور هستند را رد کند. بر اساس کنوانسیون نیویورک، ملاک، نظم عمومی کشوری است که رأی در آن مورد استناد قرار گرفته است» (ون دن و دیگران، ۲۰۰۷، ۱-۲). همچنین «کنوانسیون به نظم

موضوع نقض صلاحیت در قانون داوری تجاری ایران، از واژه «اختیارات» و حدود اختیارات استفاده شده است که برخی این ترجمه را صحیح نمی‌دانند و معتقدند به‌جای آن باید از واژه «صلاحیت» استفاده می‌شده است. زیرا اختیارات دارای مفهومی متفاوت از صلاحیت است. در آخر به‌موجب مقرر قانون داوری ایران هم در صورتی که موضوعات ارجاع‌شده به داوری قابل تفکیک باشد فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیارات بوده است، قابل ابطال است.

۴-۵. تجاوز داوران از حدود اختیارات

تجاوز داوران از حدود اختیارات از دیگر موانع شناسایی و اجرای داوری است. «همان‌طور که داوری متکی به توافق طرفین است، اختیارات داوران در حل و فصل اختلاف نیز مبتنی بر توافق طرفین است. بدیهی است چنانچه داوران از اختیارات اعطایی تجاوز نمایند، رأی صادره تا حدی که از اختیارات اعطایی خارج شده، قابل شناسایی و اجرا نمی‌باشد. به‌عبارت دیگر، تصمیم داوران در موضوعاتی که به آن‌ها ارجاع نشده مثل این است که در خصوص آن موضوعات موافقت‌نامه داوری وجود ندارد». تجاوز داوران از حدود اختیارات زمانی مطرح می‌شود که داوران از حدود موافقت‌نامه داوری به‌معنای اعم تجاوز کرده‌اند. موافقت‌نامه داوری به‌معنای اعم تنها ناظر به موافقت‌نامه کتبی منعقد قبل از بروز اختلاف نیست. طرفین ممکن است در مراحل داوری نیز به‌طور صریح یا ضمنی محدوده موافقت‌نامه داوری را گسترش داده باشند. مثل اینکه در ارجاع نامه محدوده داوری توسعه یافته باشد و یا در طول

۱۸۷). بدین صورت که از مکانی به مکان دیگر، نظم عمومی، معیارهای متفاوتی دارد (سلجوقی، ۱۴۰۱، ۹۹). در این میان برخی نیز معیار نظم عمومی را قبل از هر چیز وابسته به «قضاوت جامعه حقوقی خاص» می‌دانند. برای مثال رأی صادره در خصوص اختلافات میان توزیع‌کننده و تولیدکننده مشروبات الکلی را در نظر بگیریم که در کشورهای اسلامی ممنوع است و قطعاً چنین رأیی به دلیل تعارض با نظم عمومی، با ابطال دادگاه‌های آن کشور مواجه می‌شود (ردفرن و دیگران، ۱۹۹۱، ۲۳۰).

به نظر می‌رسد آنچه در موضوع موانع اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی ملاک قرار می‌گیرد، نظم عمومی بین‌المللی کشورها است. در میان اسناد بین‌المللی هم در ارتباط با این موضوع به قانون نمونه آنسیترا می‌توان اشاره کرد که در ضمن الهام‌بخش قانون داوری تجاری ایران هم بوده است. در این سند در عین حال که به موضوع نظم عمومی اشاره شده است، در رویه خود، کشورها را از استناد به نظم عمومی صرفاً داخلی خود، کاملاً منع کرده است.

کنوانسیون نیویورک هم در پیش‌نویس کنفرانس ملل متحد در گزارشی به صراحت موضوع استناد به نظم عمومی را در مواردی که با اصول اساسی و بنیادین کشور محل اجرا در تناقض است، جایز می‌داند. در مواردی بسیار نادر، برای رسیدگی به اجرای رأیی به نظم عمومی صرفاً داخلی کشور استناد شده است و به استناد اینکه در ماده ۵.۲ کنوانسیون نیویورک هیچ تفاوتی میان نظم عمومی داخلی و بین‌المللی وجود ندارد، حکم به ابطال رأی مذکور داده شده است. دادگاه در این باره معتقد بود نص کنوانسیون در این خصوص مستقیم به نظم عمومی کشور که رأی

عمومی کشوری اشاره می‌کند که در آن تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری به عمل آمده است و اشاره‌ای به نظم عمومی فراملی نمی‌کند. لذا «نظم عمومی فراملی» در کنوانسیون نیویورک، جایگاهی ندارد» (لو، ۲۰۰۶، ۷۷۲-۷۷۰).

«در حقوق داخلی مفهوم نظم عمومی اغلب برای معرفی قواعد امری به کار می‌رود که طرفین نمی‌توانند از آن‌ها عدول کنند. در حالی که در حقوق بین‌الملل خصوصی نظم عمومی، با عنوان نظم عمومی بین‌المللی دادرس را قادر می‌سازد که از اعمال قانون خارجی علی‌الاصول صلاحیت‌دار در مواقعی که ناقض مفاهیم اجتماعی و حقوق اساسی نظام حقوقی متبوعش است، امتناع کند» (جنیدی، ۱۳۹۴، ۲۹).

بنابراین نظم عمومی فاقد یک دایره شمول ثابت است و بر حسب مقتضیات متغیر است (الماسی، ۱۴۰۰، ۱۸۷). چنان که در ایران، یکی از بهترین مثال‌هایی که در این مورد می‌توان نام برد، اجرای قوانین حدود و قصاص بر اساس قواعد نظم عمومی است که در بسیاری کشورها اجرای حدود و قصاص برخلاف نظم عمومی است. بدین ترتیب گاهی برخی از این دسته قواعد نظم عمومی حاوی آن‌چنان معیارهای مقدسی است که حفظ و اجرای خود را به هر قیمت و بدون استثنا می‌طلبند (چشایر و نورت، ۱۹۷۴، ۱۴۹). با این وصف تعیین یک ضابطه یکسان برای همه کشورها تقریباً غیر ممکن است و در این حالت می‌توان به مفهوم «نسبی بودن» نظم عمومی رسید.

بسیاری این نسبی بودن را وابسته به مکان می‌دانند و آن را «نسبیت مکانی» نامیده‌اند (الماسی، ۱۴۰۰،

شناسایی و اجرای رأی داوری در حقوق ایران با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی با چالش مواجه است. «زمان تصویب کنوانسیون نیویورک در مجلس شورای اسلامی به دلیل ایراد شورای نگهبان، یک تبصره به ماده واحد قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی اضافه شده است. به موجب این تبصره، رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است» (جنیدی، ۱۳۸۹، ۳۶).

اضافه کردن این تبصره به این معناست که دادگاه‌های ایران از شناسایی و اجرای آرای خارجی صادره در کشورهای متعاقد دیگر به دلیل تعارض با اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خودداری خواهد کرد. فرض کنید که قراردادی بین دولت ایران یا یکی از نهادها و شرکت‌های دولتی از یک سو و یک شخص خصوصی خارجی از طرف دیگر منعقد شده است که در آن پیش‌بینی شده است که اختلافات حاصل به داوری ارجاع شود و مقر داوری نیز سوئیس باشد. در ارجاع اختلاف به داوری طرف ایرانی تشریفات قانون لازم برای اخذ مجوز هیئت دولت و مجلس را کسب نکرده است و بنابراین ارجاع اختلاف خلاف اصل ۱۷۹ قانون اساسی تلقی می‌شود. داوری در سوئیس انجام شده است و برای شناسایی و اجرا به دادگاه ایران تسلیم شده است. دادگاه به استناد تبصره مزبور از شناسایی و اجرای رأی صادره در سوئیس خودداری خواهد کرد (سلجوقی، ۱۴۰۱، ۹۹).

اضافه کردن یک مورد به مواردی که دادگاه می‌تواند از شناسایی و اجرای رأی خودداری کند نقض آشکار

باید در آن اجرا شود، اشاره کرده است (ون دن و دیگران، ۲۰۰۷، ۱۹-۲۰).

بند ۲ ماده ۳۴ قانون داوری تجاری ایران «مخالفت مفاد رأی داوری با نظم عمومی کشور را از موجبات بطلان رأی داوری» برشمرده است. بر طبق این مقرر «در صورتی که مفاد رأی داوری برخلاف نظم عمومی ایران باشد، رأی صادره واجد وصف بطلان خواهد بود».

«نکته دیگر اینکه در این قانون در کنار عنوان عام نظم عمومی که موجبی برای ابطال رأی است از اصطلاح اخلاق حسنه هم استفاده شده است که به نظر بیشتر مفسرین این اصطلاح اخیر زائد و غیر ضروری به نظر می‌رسد. به این دلیل که آنچه با اخلاق حسنه منافات داشته باشد، با نظم عمومی هم مخالف است» (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ۲۵۶). «در حقیقت اخلاق حسنه از مهم‌ترین ملاحظات و مفاهیم نظم عمومی بوده که در آن مستتر هم است» (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ۱۸۰)؛ که نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهای دنیا و نظام‌های حقوقی مختلف از ارکان اساسی این مفهوم به شمار می‌رود (جنیدی، ۱۳۸۷، ۳۴۳-۳۴۴). بدین صورت قید کلمه «اخلاق حسنه» در ماده مذکور زائد است و نظر به اینکه ممکن است برای طرفین داوری تجاری بین‌المللی به‌ویژه طرف‌های خارجی ایجاد ابهام کند، بهتر است حذف شود.

۵. شناسایی و اجرای رأی داوری و اصل ۱۳۹ قانون اساسی

نتایج نشان داد قوانین ایران در زمینه مفهوم شناسایی رأی داوری خارجی و عناصر آن ساکت است و هیچ‌گونه مقررات یا آئین‌نامه مشخصی در این زمینه وجود ندارد و رویه قضایی هم روشن و کامل نیست. به لحاظ دکترین، منظور از شناسایی رأی داوری خارجی آن است که دادگاهی که از او درخواست اجرای رأی شده است، قبل از صدور اجرائیه، رأی خارجی را هم‌تراز رأی داخلی می‌نشاند و احراز و تصدیق می‌کند که رأی صادره دارای حداقل ارکان و عناصر لازم در قالب یک رأی قطعی و معد برای اجرا است. بنابراین شناسایی و اجرا، دو عمل قضایی متوالی اما متفاوت است. پس از این، تصدیق و شناسایی است که رأی قابل اجرا می‌شود. شناسایی رأی داوری با حکم دادگاه خارجی تفاوتی ندارد و در هر دو مورد دادگاه باید متقاعد شود که رأی داوری یا حکم دادگاه خارجی خالی از خلل و معد اجرا است، ولو اینکه پس از شناسایی، درخواست اجرائیه برای اجرای آن نشود.

در خصوص موانع شناسایی و اجرای آرای داوری نیز نتایج نشان داد که برخلاف شباهت در موانعی چون اهلیت در نظام حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک، تفاوت‌هایی مانند مفهوم نظم عمومی وجود دارد. نظم عمومی در هر کشوری مصادیقی متفاوت دارد. درعین‌حال در ماده ۵.۱ کنوانسیون تأکید زیادی هست به اصل حاکمیت اراده و استقلال اراده طرفین در حل و فصل به روشی که می‌پسندند. در این صورت ممکن است آن‌طور که شایسته است طرفین نتوانند در اجرای رأیی که حتی بر آن توافق هم دارند، موفق باشند. موضوع «نظم عمومی» و این قبیل انتقادات بر قانون داوری تجاری هم وارد شده است؛ زیرا این مصداق در هر دوی این اسناد یک‌جور است. همچنین

کنوانسیون نیویورک خواهد بود. این امر می‌تواند باعث برخورد تلافی‌جویانه از طرف سایر کشورهای متعاقد شود. فرض کنید که اختلافات بین یک تبعه ایران و فرانسه به داوری ارجاع شود و مقر داوری نیز ایران باشد. طرف ایرانی موفق می‌شود که رأی داوری را به نفع خود و علیه طرف فرانسوی کسب کند و برای شناسایی و اجرای رأی داوری به دادگاه فرانسه مراجعه کند. دادگاه فرانسه ممکن است از شناسایی و اجرای رأی داوری اجتناب کند؛ زیرا به عقیده دادگاه فرانسه گنجاندن تبصره مزبور نوعی الحاق مشروط به کنوانسیون تلقی شده است و بنابراین دادگاه فرانسه مجبور نیست که آرای داوری صادره در ایران را مورد شناسایی و اجرا قرار دهد.

گنجاندن تبصره مزبور می‌تواند ضمانت اجرای مقرر در ماده ۱۴ کنوانسیون نیویورک را به همراه داشته باشد که آن خودداری از شناسایی و اجرای آرای داوری صادره در ایران است. ماده ۱۴ مقرر می‌دارد: «یک دولت متعاقد مجاز نخواهد بود در قبال دولت‌های متعاقد دیگر از این کنوانسیون منتفع گردد؛ مگر تا حدودی که آن دولت خود را متعهد به اعمال این کنوانسیون می‌داند». بنابراین کشورهای دیگر از اجرای رأی صادره در ایران خودداری کنند، این امر می‌تواند ضربه بزرگی به داوری در ایران وارد کند.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر پاسخ به این سوال بررسی شد که شرایط و موانع شناسایی و اجرای آرای داوری در حقوق ایران و کنوانسیون نیویورک چگونه است؟

این مقررات از موارد تقلب در قانون نیز پیش‌گیری شود و یک حکومت حقوقی مناسب بر این رشته حیاتی کشور ایجاد کرد. حسن دیگر این امر قابلیت شناسایی و اجرای آرای داوری‌های ایران در سایر کشورها بر اساس عمل متقابل خواهد بود. آئین شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی در کنوانسیون سهل‌تر و آسانتر از شرایط اجرای احکام مدنی ایران است؛ بنابراین ضرورت تسهیل و اجرای رأی داوری در ایران بیش از پیش احساس می‌شود.

موضوعات دیگر که هر کدام در جایگاه خود احتمالاً با انتقاداتی مواجه شده‌اند؛ همچون موضوع اموال غیر منقول در ایران که در بند سوم از ماده ۳۴ قانون داوری تجاری مطرح شده است.

یکی از مهم‌ترین مواردی که موجب عدم استفاده از کنوانسیون نیویورک خواهد شد، مغایر و خلاف نظم عمومی بودن آن خواهد بود و در بعضی از موارد تبعیت از این کنوانسیون موجب می‌شود نظم عمومی کشور دچار اختلال شود. همچنین در مبحث اهلیت در قانون ایران مشخص نشده است مطابق چه قانونی اهلیت طرفین احراز می‌شود. این موضوع در صورت تابعیت قضات از این کنوانسیون موجب سردرگمی قضات برای استفاده از آن خواهد شد. نکات فوق‌الذکر، سبب به‌وجود آمدن خلأها و محدودیت‌هایی برای قضات و محاکم قضایی در اعمال کنوانسیون فوق‌الذکر خواهد شد.

قانون‌گذار ایرانی در کنار پذیرش کنوانسیون نیویورک، برای تلفیق هرچه بهتر آن با الزامات حقوق داخلی و تسهیل هرچه بیشتر مسئله اساسی اجراء گامی برای تصویب «قانون جدید در خصوص نحوه اجرای کنوانسیون در حقوق ایران» برداشته است. بنابراین می‌توان گفت که در حقوق ایران، از حیث اجراء تفاوتی بین رأی خارجی و داخلی وجود ندارد. دادگاه ایرانی نیز باید پس از شناسایی آن را وفق مقررات قانون آئین دادرسی مدنی و قانون اجرای احکام مدنی به‌موقع اجراء بگذارد.

لازم است مقررات اجرای آرای داوری‌های خارجی به‌صورت کامل اصلاح شود تا ضمن ایجاد یک وحدت حقوقی در اجرای آرای داوری‌های خارجی در ایران و روان کردن تجارت خارجی و بین‌المللی در سایه

منابع

فارسی

- خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین‌الملل (داوری تجاری بین‌المللی)، جلد هفتم، چاپ اول، تهران، جنگل، ۱۳۹۲.

- دانای علمی، منیژه؛ گلسارا پویان، «محدوده کنترل قاضی در شناسایی و اجرای آرای داوری»، مجله قضاوت، شماره شصت و سوم، ۱۳۸۹.

- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

- سلجوقی محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاه‌ها)، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۱.

- شهیدی مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ شانزدهم، تهران، نشر مجد، ۱۴۰۱.

- شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین‌المللی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۶.

- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۱.

- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق (منطق حقوق)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۸.

- الماسی، نجادعلی، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۰.

- مصلحی، مهرداد، ترجمه فرهنگ حقوقی بلاک، چاپ پنجم، تهران، شرکت انتشارات قلم، ۱۳۸۸.

- معین، فاطمه؛ حسینی، مینا، «مطالعه تطبیقی سیستم‌های حقوقی در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی»، مجله حقوق و فقه، شماره چهاردهم، ۱۴۰۰.

- ادیب، محمد، «وضعیت حقوقی و آثار قراردادهای داوری منعقد شده بین دولت ایران و شرکت‌های خارجی»، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

- اسکینی، ربیعا، «تعارض قوانین در داوری تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره یازدهم، ۱۳۶۸.

- برونو، اوپتی، «شرط داوری به وسیله ارجاع»، مجله حقوقی، شماره‌های شانزدهم و هفدهم، ۱۳۷۱-۱۳۷۲.

- جنیدی، لعیاء، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، چاپ اول، تهران، مؤسسه شهر دانش، ۱۳۸۷.

- جنیدی، لعیاء، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

- جنیدی، لعیاء، «مسئله اجرای داوری ابطال شده»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره چهارم، ۱۳۸۷.

- جنیدی، لعیاء، قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۴.

- جولیان دی‌ام لئو و دیگران، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.

- حبیبی، حسن، «چند نکته درباره داوری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های بیست و هفتم و بیست و هشتم، ۱۳۷۸.

- Lu, May, " The New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards: Analysis of the Sevn Defence to oppose Enforcement in the Unites States and England", 23 Ariz.J. Int L& Comp., 2006, p;770-772.

- Mayer, P., " L'executiondes sentences arbitrale dans les pays de droit romaniste", l'execution des sentences arbitrales, Publication CCI No.446/6, 1992, p;498.

- Redfern, A. & M. Hunter, Law and Practice of International Commercial Arbitration, London, Sweet & Maxwell, 1991, p;230-144.

- Van den Berg, Albert Jan, New York Convention of 1958: Refusals of Enforcement, ICC International Court of Arbitration Bulletin, Vol. 18, No.2, 2007, pp;19-20.

- Van den Berg, Non-domestic Arbitral Awards under the New York Convention", 2 Arbitration International, 1986, p;199.

- Van den Berg. Albert Jan, " The New York Arbitration Convention of 1958", Kluwer Law and Taxation Publishers, 1981, p;312-313-282.

- نیکبخت، حمیدرضا؛ پیری، فرهاد، «امتناع از شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی باطل شده»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره چهل و هشتم، ۱۳۹۲.

- نیکبخت، حمیدرضا، داوری بین‌المللی (آئین داوری)، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳.

- هاشم‌بیگی، حمید، ترجمه فرهنگ حقوقی آکسفورد، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نوین اندیشه (وابسته به مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه)، ۱۳۹۸.

انگلیسی

- Cheng, Wei-jen, "Determining Appropriate Procedural Rules of International Commercial Arbitration and Its Relationship with the Law Governing Arbitral Procedure: In the Perspective of Enforcement under the New York Convention", Contemporary Asia Arbitration Journal, vol. 2, Issue 1, 1990, p;745.

- Cheshire, G.C. & P.M. North, Private International Law, 9thed., London, Butter worth, 1974, p;149.

- Cole, Verhoeven 'Arbitrage entre Etats et entreprises étrangères: des règles spécifiques?' , Rev. arb, 1985, p;374.

- Gaillard Emmanuel, & Savage John, " Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 1999, p;948.

- Gaja, G., New York Convention, Dobbs Fery 1980-1978, p;26.

- Giovannini, Teresa, Moure, Alexis, Written Evidence and Discovery in International Arbitration: New Issues and Tendencies, International Chamber of Commerce Publication, Paris, 2000, p;123.